



ویتنام در عراق^۱

گروه ترجمه معاونت پژوهش و تولید علم
علیمراد خدادادی

در کتاب «ویتنام در عراق»، ویتنام به عنوان موضوعی که درس های منفی در درون فرهنگ سیاسی امریکا وضع نموده، مطرح گردیده است و به عنوان یک نقطه مرجع جهت ناکامی ها و شکست هایی که پشت سر گذاشته شده معرفی گردیده است. ایالات متحده به سرعت از جنگ های صورت گرفته در ویتنام درس گرفت و در طول دهه ۱۹۸۰ قدرت نظامی متعارف ارتش این کشور (امریکا) بازسازی گردید. از نظر سیاسی، هماهنگی های مجددی در زمینه موازنه قدرت بین کنگره و ریاست جمهوری به عمل آمد. اما با گذشت زمان و در زمان ریاست جمهوری «جیمی کارتر» که تمایل نداشت تا قدرت نظامی را در چنین درگیری هایی به نمایش بگذارد، «اخلاقیات» جای خود را به تفکر راهبردی داد.

جنگ عراق یک گزینه بود. این جنگ که منجر به اشغال و انتقال موقتی حاکمیت در عراق شد، ممکن است نتایج معکوسی در قبال اهداف اعلام شده پس از یازده سپتامبر باشد یعنی ممکن است برخلاف منافع و قدرت امریکا باشد. نتایج ناشی از جنگ عراق، نگرش راهبردی امریکا برای آینده نزدیک را به آینده میان مدت تبدیل خواهد کرد؛ در این جنگ درس های ویتنام مجدداً مشاهده خواهد گردید و میراث هر دو جنگ عمیق بوده و عمیق تر خواهد شد. در کتاب مزبور به این

^۱ VIETNAM IN IRAQ: Tactics, Lessons, Legacies and ghosts. John Dumbrel l& David Ryan. Routledge: 2007 p 240

نکته اشاره گردیده که مصلحت اتخاذ شده پس از جنگ ویتنام جایگزین یک سیاست مبتنی بر اصول نگردید.

همچنین تاثیر جنگ عراق بر اجماع سیاست خارجی امریکا مورد بررسی قرار گرفته و برای تحقق این امر، تاثیرات مزبور با تاثیرات جنگ ویتنام مورد مقایسه قرار گرفته است.

در این ارتباط، شیوه ای که در آن ویتنام، اجماع جنگ سرد را متلاشی نمود و نیز شیوه ای که در آن جنگ عراق موجب تضعیف شدید پیمان های پس از ۱۱ سپتامبر گردید مورد مقایسه و بررسی قرار گرفت.

در بخشی از کتاب «ویتنام در عراق»، درس های فراگرفته شده از جنگ ویتنام و نحوه نفوذ آنها در ارتش امریکا مورد بررسی قرار گرفته است.

در این بخش عنوان گردیده که جنگ ویتنام در حد قابل ملاحظه ای شیوه درک جنگ توسط امریکا را ترسیم نموده است.

در مقاله ای از این کتاب، مقایسه ای از تلاش ها و فعالیت های مربوط به شرکت های خصوصی که قراردادهای سودمندی در ویتنام و عراق عاید آنها شده بود، صورت گرفته است.

در این ارتباط سهم بسیار زیادی از کارهای سازندگی در یک محیط کمتر رقابتی به شرکت های خصوصی سپرده شد. با این حال دولت «بوش» مایل نیست که از تجربه ویتنام در این زمینه بهره برداری کند.

در بخش دیگری از کتاب آمده است که علیرغم سقوط دیوار برلین و پیروزی (امریکا) در جنگ سرد، اما شکست در ویتنام به عنوان یک نقطه مرجع قوی برای برخی استراتژیست های امریکایی که درصدد فائق آمدن بر تنگناهای ناشی از درس های تدوین شده پس از جنگ ویتنام هستند، همچنان باقی مانده است. عراق نیز فرصتی را به دست آورد تا بسیاری از محدودیت ها و تنگناهای فرهنگی که استراتژیست های امریکایی با آنها روبرو بودند، به ورطه فراموشی سپرده شوند.

در قسمت دیگری از کتاب پیرامون عملکرد امریکا در مبارزه علیه تروریسم، مباحثی صورت گرفته است و نقش افکار عمومی در هر دو جنگ (ویتنام و عراق) نیز تشریح گردیده است. همچنین مطالبی پیرامون راهبرد نظامی امریکا عنوان شده است و بر روی دو نکته تاکید شده است که عبارتند از نقش کنگره امریکا و روابط بین امریکا و انگلیس

و به دنبال آن به عکس العمل های متفاوت انگلیس در قبال جنگ هایی به رهبری امریکا اشاره شده است.

در کتاب «ویتنام در عراق» به این نکته اشاره شده است که کتاب های بسیار زیادی پیرامون میراث سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و بین المللی جنگ ویتنام در کتابخانه ها موجود می باشد. اما جنجال های ایجاد شده پس از حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ و نتایج ناخوشایند آن موجب مطرح شدن نگرش های «میراثی» جنگ عراق گردید. در این چارچوب اجتناب نمودن از ارتباطات با ویتنام غیرقابل امکان است. جنگ عراق بیشترین زخمی ها و عناصر روانی را بین نیروهای امریکایی از زمان جنگ ویتنام دارا بوده است. گرچه تراکم نیروهای امریکایی در عراق به اندازه تراکم آنها در ویتنام نیست، اما میراث درگیری عراق ممکن است به شیوه های غیرقابل پیش بینی احساس گردد.

به عبارت مختصر، تبعات آتی جنگ عراق از نظر تاثیر احتمالی بر سیاست خارجی امریکا در میان مدت تا بلند مدت در این کتاب مورد بحث قرار گرفته است.

در بخشی از این کتاب آمده است که عراق با ویتنام متفاوت است. تاریخ، بافت جمعیتی، نقشه، منابع، فرهنگ، ماهیت مقاومت و نیز شورش در عراق کاملاً با ویتنام تفاوت دارد. جنگ ویتنام بسیاری از امریکایی ها را جریحه دار کرد و وفاق داخلی کشور را در آن زمان که دوران جنگ سرد بود به شدت تضعیف کرد و اثری را از خود به جای گذاشت که براساس آن روسای جمهور امریکا از زمان «جرالد فورد» تا «بیل کلینتون» هیچ کدام مبادرت به حمله زمینی عمده ای نکردند.

«جورج بوش» (پدر رئیس جمهور فعلی امریکا) یک ائتلاف به رهبری امریکا را در سال ۱۹۹۱ با هدف بیرون راندن نیروهای عراقی از کویت تشکیل داد. هدف این عملیات که موسوم به «طوفان صحرا» بود محدود به اعاده حاکمیت کویت بود.

اما جنگ عراق که در سال ۲۰۰۳ (به نام عملیات آزادسازی عراق) صورت گرفت موجب شکاف بین مردم امریکا گردید که دامنه این شکاف عمیق تر از هر درگیری دیگری از زمان جنگ ویتنام به بعد بود و موجب گردید تا تفاهم و وفاق نظری که بین امریکائی ها پس از ۱۱ سپتامبر به وجود آمده بود را به شدت تضعیف کند و اثری را از خود به جای گذاشت که براساس آن رؤسای جمهور آینده امریکا فکر تغییر رژیم سایر کشورها از طریق اعمال زور را از سرشان بیرون کنند.

مؤلفین کتاب در بخش دیگری به تفاوت های بین جنگ امریکا در ویتنام و عراق پرداخته اند و به این نکته اشاره نموده اند که امریکا در جنگ ویتنام حدود نیم میلیون از نیروهای خود را درگیر نمود در حالی که در عراق تنها ۱۴۰/۰۰۰ نفر مستقر گردیده اند و در جنگ ویتنام تعداد ۵۸۰۰۰ نفر از نیروهای امریکایی کشته شده اند، در حالی که در جنگ عراق تاکنون (تا زمان تألیف کتاب) ۲۳۰۰ نفر کشته شده اند و جوّ سیاسی زمان جنگ سرد با جوّ کنونی که جنگ علیه تروریسم است متفاوت می باشد.

زمانی که در سال ۲۰۰۳، امریکا به عراق حمله کرد، بسیاری از منتقدین جنگ در امریکا هشدار دادند که عراق به ویتنامی دیگر برای امریکا تبدیل خواهد شد. آنها معتقد بودند که ایالات متحده امریکا به آسانی اشتباهات ویرانگر دهه ۱۹۶۰ را تکرار خواهد کرد و به همین دلیل هشدار دادند که عراق همچون ویتنام یک باتلاقی برای امریکا خواهد شد.

از سوی دیگر طرفداران این جنگ از آن جمله اعضای دولت «بوش» معتقد بودند که این جنگ شبیه مبارزه شرافتمندانه امریکا علیه استبداد جنگ دوّم جهانی و جنگ سرد بود.

کتاب «ویتنام در عراق» دارای یازده فصل به شرح زیر می باشد:

- فصل اول: جنگ عراق و پایان تاریخ، فصل نهایی؟
- فصل دوم: مسیر مضحک ویتنام.
- فصل سوم: شکاف در وفاق سیاست خارجی کشور: لفاظی رئیس جمهور، افکار عمومی امریکا و جنگ های (امریکا) در ویتنام و عراق.
- فصل چهارم: عراق و ویتنام: درس های نظامی و میراث ها.
- فصل پنجم: یک سمفونی دزدی، فساد و رشوه: تجزیه و تحلیل دولت سازی از عراق تا ویتنام.
- فصل ششم: ویتنام، فرهنگ پیروزی و عراق: تلاش با استفاده از درس ها، محدودیت ها و اعتبار از سایگون (در ویتنام) تا فلوجه (در عراق)
- فصل هفتم: نشانه بیماری (سندروم) اروپایی ویتنام: امریکا و باتلاق عراق.
- فصل هشتم: عراق و معما و معضل مقایسه.
- فصل نهم: ویتنام و عراق: راهبرد، خروج و نشانه بیماری.

- فصل دهم: سقوط (نظریه و تئوری) دومینو.
- فصل یازدهم: جنگهای عراق و ویتنام: برخی موازی ها و ارتباطات.

اهمیت کتاب «ویتنام در عراق» جهت دانشگاه عالی دفاع ملی

کتاب «ویتنام در عراق» دربرگیرنده تجارب جنگی امریکا در ویتنام می باشد که شناخت این تجارب می تواند برای دانشجویان رشته دفاع دانشگاه عالی دفاع ملی مثمرتر باشد.

نظریه تلخیص کننده

کتاب موصوف بیانگر واقعیت های جنگی است که ایالات متحده امریکا در جنگ با ویتنام با آنها روبرو بود. از طرف دیگر با وجودی که امریکا در آن جنگ شکست سنگینی را متحمل شد، سیاستمداران امریکایی به جای عبرت گرفتن از آن واقعه، مجدداً پس از چند دهه همان اشتباه را مرتکب و به تبعیت از خوی تجاوزگری استکباری خویش، کشورهای افغانستان و عراق را اشغال کرده اند. در این کتاب به طور ضمنی به همین نکته نیز اشاره شده است که دولتمردان کاخ سفید نتوانسته اند از درس های ویتنام بهره برداری کنند، اما مولفین کتاب این واقعیت را با صراحت بیان نکرده اند، که این نشانه ای از عدم بی طرفی آنها در بیان مسائل واقعی می باشد.

مطالعه این کتاب خواننده را به این باور می رساند که امریکا ذاتاً یک موجودیت سلطه گر، ظالم و مستکبر است که برای رسیدن به منافع و اهداف ظالمانه خویش به هیچ قاعده و قانونی اعتنا نمی کند و موضوع حقوق بشر در نظر دولتمردان امریکایی چیزی جز یک ابزار تبلیغاتی نیست.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی